



سید هادی برهانی

استاد دانشگاه تهران

یکبار دیگر تصاویر ارسالی از شرکت رئیس جمهوری اسلامی ایران، دکتر پزشکیان، در یک کنفرانس بین المللی و رفتار ایشان در ملاقات با مقام های خارجی صدای محافلی (عموما با گرایش های شناخته شده و مشخص) را بلند کرد. این محافل با استناد به این تصاویر، تواضع دکتر پزشکیان در برابر همتایان خارجی، از جمله الهام حیدر علی اف رئیس جمهور آذربایجان، را نشانه ضعف و صحنه ای تحقیرآمیز تلقی نموده و آن را مورد انتقاد، شمات و حتی توهین قرار دادند. سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس، یکی از این منتقدان، با اشاره به این صحنه هشدار داد: عرصه دیپلماسی و ملاقات های رسمی، عرصه چاکرم نوکرم گفتن، عرصه بغل کردن خائنین، عرصه یاه... گفتن دولاشدن نیست. تاریخ این موضوع در جمهوری اسلامی نشان می دهد هر گاه تصاویر ارسالی از ملاقات دولتمردان ایرانی با رهبران خارجی نشانه ای از تواضع، ادب، دوستی و یا خوشحالی و خشنودی داشته مورد اعتراض و انتقاد این عده قرار گرفته است. بیشتر تصویر ملاقات دکتر طریف با امیر کویت، خوش و بیش وی با جان کری وزیر خارجه وقت امریکا و حتی خنده حسن روحانی در ملاقات با وزرای خارجه اروپایی مورد اعتراض و تقبیح همین عده قرار گرفته بود. ظاهرا آنها ترجیح می دهند مسئولان ایرانی در این ملاقات ها متکبر، اخسوی بی ادب به نظر برسند و با طرف های خارجی رفتاری خصمانه و خودبزرگ بینانه داشته باشند. در عمل نیز برخورد های تند و توهین آمیز با طرف های خارجی همواره مورد تحسین این عده قرار گرفته و آن را نمونه ای افتخارآمیز از برخورد قوی و قاطع با «بیگانگان» قلمداد نموده اند. ظاهرا مشکل آنان با این تصاویر این است که خاکساری و تواضع مسئولین کشور در ملاقات های خارجی کشور «بزرگ و قدرتمند» ایران را «کوچک و ضعیف» نشان می دهد اما توجه به سابقه موضوع نشان می دهد همین محافل، عمدتا، همان نیروهایی هستند که همواره مدافع انتصاب و نقش آفرینی نیروهای غیرمتخصص، بی تجربه، کم سواد، ناتوان تحت عناوینی چون جوان گرایی، مردمی بودن، تعهد و... بوده اند و به همواره با حضور متخصصان و افراد باتجربه در پست های حساس مشکل داشته اند. متاسفانه در فرهنگ بومی ماتکبر علامت قدرت و تواضع علامت ضعف است و اگر مسئولین و دولتمردان متکبر نباشند در اداره حوزه مسئولیت خود دچار مشکل می شوند. تصویر یک دولتمرد شایسته و ایده آل برای بخش بزرگی از جامعه ما تصویر مردی متکبر و خودخواه است که خود را برتر از دیگران و دیگران را کوچکنر از خود می بیند. چنین فرهنگ و جامعه ای باستانیش تکبر و تقبیح تواضع رهبران را به سوی تکبر و خودخواهی رهنمون می کند. علاوه بر فرهنگ سابقه دار استبداد در کشور، ناسیونالیسم افراطی و نژادپرستی همزاد آن نیز در بروز این مشکل نقش داشته است. این ناسیونالیسم، بابرتز دانستن نژاد ایرانی (آریایی) و پست تر شمردن دیگران (به ویژه عرب ها و ترک ها)، به نوعی ایران و ایرانی را برتر و بالاتر از دیگران می بیند و براین اساس علاقه مند است این برتری و فاصله را در تصاویر نمادین ببیند. از اینرو برتری دولتمرد ایرانی در ملاقات با طرف خارجی را می پسندد و تحسین می کند و برعکس تواضع و فروتنی او را نوعی حقارت و ضعف و شایسته سرزنش می بیند. کم نیستند کسانی که دوست دارند در صحنه ملاقات رهبران کشور با همتایان خارجی این تصویر را ببینند. ظاهرا برخورد تند و تحقیرآمیز خارجی نشان می دهد که ما از آنها برتر و قوی تر هستیم و این مایه نوعی ارضای خودخواهی های جمعی ناشی از تعلیمات ناسیونالیسم افراطی است. این رویکرد ملی گرایانه به ایران و جهان نیز نه تنها خلایق و سازنده نیست بلکه با جایگاه واقعی ایران در جهان نیز نیستی ندارد. این دیدگاه افراطی ایران را برقدرتی در جهان می داند که بر اوج نشسته (یا باید بپوشند) در حالی که ایران، براساس آمار و واقعیت ها قدرت خاص خود است که در شاخص های پیشرفت و توسعه توانمندی مشخص است. ناسیونالیسم افراطی در دوران پهلوی اوج گرفت و به ایدئولوژی حاکم بدل شد. متاسفانه در جمهوری اسلامی که محصول نوعی انقلاب علیه این ایدئولوژی بود، این رویکرد افراطی و غیرواقع بینانه در قالی دیگر بازسازی و بازتولید شد. ما می توانیم جهان را به خاطر این مواضع و بی توجهی محکوم کنیم اما در این میانه باید نگاهی نیز به رفتار و عملکرد خود داشته باشیم. چرا در همین «جنگل جهانی» برخی از کشورها مانند سوئد و سوئیس و حتی در منطقه خودمان کشور عمان از احترام و اعتبار بین المللی برخوردارند و این احترام به آنها موقعیتی بخشیده که دشمنی و خصومت با آنها را غیرممکن یا غیرمحتمل نموده است. تجربه های متعدد بین المللی نشان می دهد راه موفقیت و توسعه در جهان راه احترام و دوستی است. کشورهای موفق از هر فرصت و بهانه ای برای تقویت دوستی و همکاری با دیگر کشورها بهره می برند. در این مسیر تواضع دکتر پزشکیان نه تنها یک معضل نیست بلکه سرمایه ای ارزشمند برای کشور است. به ویژه اینکه تواضع و فروتنی ایشان کاملا اصل و جدی است و نمایش و بازی نیست. از اینرو، از رئیس جمهور محترم درخواست می شود به رغم سرو صدهای افتخارآمیز و حتی توهین سخت این رهرو دانه داده و از طی این مسیر سخت خسته و ناامید نشوند. تواضع شما نه تنها ارزشی انسانی و اسلامی است بلکه از چشم انداز منافع ایران و مردمان ایران نیز موهبتی گرانسنگ است. به این تواضع باید افتخار کرد.

کمال الدین پیرموزن در گفت وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان زمینه آزادی زندانیان سیاسی را فراهم کند



موشک های ایرانی می تواند سرنوشت اسرائیل را تغییر دهد

کشور باید به سمت یک آشتی ملی پایدار حرکت کند

آرمان ملی- احسان انصاری: خانه احزاب ایران در نامه ای به رئیس جمهور خواهان پیگیری و تلاش وی و رئیس قوه قضائیه برای آزادی زندانیان سیاسی شده است. این در حالی است که بسیاری از کسانی که در گذشته به برخی سیاست ها انتقاد داشتند در طول جنگ ۱۲ روزه به صورت علنی و با صراحت از کشور و نظام حمایت و مردم را به وحدت و همبستگی دعوت کردند. در چنین شرایطی به نظر می رسد دولت و حاکمیت می تواند از نزدیک شدن جریان های سیاسی به یکدیگر در راستای همبستگی ملی استفاده کند. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع و رفتارشناسی نخبگان در جنگ ۱۲ روزه با کمال الدین پیرموزن نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی گفت وگو کرده است. پیرموزن معتقد است: «اتفاق مهمی که در دوران جنگ ایران و اسرائیل رخ داد این بود

خانه احزاب در نامه ای به رئیس جمهوری خواستار

آزادی زندانیان سیاسی در شرایط دوران پس از جنگ شده که جریان های سیاسی در راستای های همبستگی ملی به هم نزدیک تر شده است. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

زندانی شدن آنها نیز به دلیل تنگ نظری و یکجانبه گری سیاسی است. بسیاری از کسانی که امروز به عنوان زندانی سیاسی در زندان هستند افراد دلسوزی هستند که در گذشته خدمات زیادی به کشور کرده اند. اکنون در شرایطی که کشور با موقعیت از یک جنگ تحمیلی عبور کرده و جریان ها و چهره های سیاسی بیش از گذشته به هم نزدیک شده اند جا دارد نگاهی دوباره به زندانیان سیاسی داشت و با نظر به شرافت و دلسوزی آنها، زمینه را برای فرمان عفو عمومی آنها فراهم کرد. اتفاق مهمی که در دوران جنگ ایران و اسرائیل رخ داد این بود که بسیاری که تا دیروز با نظام مخالف بودند و یا به آن انتقاد می کردند، با تمام توان از نیروهای مسلح و یک کلام از حاکمیت در مقابل دشمن حمایت کرده و به سود نظام موضع گرفتند. این اتفاق مهمی است که رخ داده و نظام سیاسی می تواند از این فرصت برای افزایش سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی استفاده کند. در این جنگ خط روشنی بین دوستان و دشمنان کشیده شد و حتی برخی افراد که در خارج از کشور بودند نیز در حین جنگ به سود کشور و نظام موضع گیری کردند و در زمینه جناح های اسرائیل در ایران دست به افشاکاری زدند. من فکر می کنم همه این مسائل برای کشور و نظام ظرفیت است و باید به آنها به عنوان ظرفیت نگاه کرد. این همبستگی ملی می تواند زمینه ساز نزدیک تر شدن جریان های سیاسی در راستای یک آشتی ملی پایدار باشد.

پزشکیان چه نقشی در این زمینه می تواند ایفا کند؟

رئیس جمهور در این زمینه نقش مهمی دارد و می توان با رایزنی هایی که با مقام معظم رهبری و نهاد های تصمیم گیر در این زمینه انجام می دهد، زمینه آزادی زندانیان سیاسی و به وجود آمدن زمینه یک آشتی ملی پایدار را به وجود بیاورد. شناخت بنده از آقای پزشکیان به زمان انقلاب باز می گردد و ما سال ها در مجلس در کنار هم فعالیت کرده ایم و به همین دلیل نسبت به مبانی فکری ایشان شناخت کافی دارم. آقای پزشکیان همواره مخالف تندروی بوده و همواره دنبال این بوده اند که از همه نیروهای دلسوز کشور استفاده شود. در شرایط کنونی مردم سه مطالبه جدی یعنی امنیت، عدالت و فراوانی دارند. واقعیت این است که آنچه ملاک عمل مسئولان کشور است، قضاوت و رضایت مردم است و اگر چنین رضایتی کمزبر نبوده، اکنون فرصت خوبی است که از تمام ظرفیت ها استفاده و کاستی ها جبران شود. البته دولت آقای پزشکیان همه تلاش خود را در راستای تحقق مطالبات مردم انجام داده و من فکر می کنم در این زمینه حرف و حدیثی وجود ندارد. آقای پزشکیان به دنبال وحدت و وقایع ملی هستند و تلاش می کنند در شرایط خطیر کنونی که جنگ طلبی ها و تنش آفرینی های آمریکا و متحدانش بیشتر شده، در مدیریت کشور هم در زمینه داخلی و هم بین المللی رویکرد تعاملی و سازنده در پیش بگیرند.

نامه ایران به شورای امنیت و صلیب سرخ در مورد ربایش احمد متوسلیان و همراهانش

سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد، در نامه ای به دبیر کل سازمان ملل متحد، رئیس شورای امنیت و کمیته بین المللی صلیب سرخ پیرامون ربایش حاج احمد متوسلیان، سید محسن موسوی، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان توسط رژیم صهیونیستی در لبنان اظهار کرد:
تداوم امتناع رژیم اسرائیل از ارائه هرگونه اطلاعات درباره ی سرنوشت افراد روده شده، نقض عهدهای تعهدات بین المللی آن رژیم و مصداق استمرار عمل ناپدیدسازی قهری است. در متن نامه امیرسعيد ایرانی آمده است: متعاقب دستور دولت متبوع ام، بدین وسیله مکاتبه حاضر را به مناسبت چهل و سومین سالگرد ربایش چهار تبعه جمهوری اسلامی ایران، آقایان سید محسن موسوی (کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت)، احمد متوسلیان (وابسته ی نظامی)، تقی رستگار مقدم (عضو کادر فنی) و کاظم اخوان (از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)، که در جریان تهاجم رژیم اسرائیل به لبنان و اشغال نظامی شهر بیروت مورخ ۵ تیرماه ۱۹۸۲ به دست نیروهای وابسته به این رژیم

بازگشت آرامش در ایران پس از آتش بس

اهمیت شنیده شدن صدای مردم از تریبون های مرسوم چیست؟

فعلا از صدای انفجار و شلیک ضد هوایی خبری نیست، حرف و حدیث زیاد است که دوباره شروع می شود، اما مردم امیدوار هستند صلح پایدار بماند، مردمی که به نظر می رسد از سخت شدن جریان زندگی کم خسته نباشند، اما در تجربه جنگ ۱۲ روزه مسائل را با یکدیگر عجين نکردند، پشت ایده ایران ایستادند تا شر جنگ از بالای سرتون برداشته شود. حالا به همه ی تجربه های گذشته یک تجربه دیگر هم اضافه شد، شروع یک جنگ نزدیک تر از چیزی ست که گمان می شود و تاب آوری در آن بیشتر از هر چیزی به همبستگی نیاز دارد؛ مردم در آزمون همبستگی بازم نمرة قبولی گرفتند ولی پایدار ماندنش نیاز به توجه دارد. حالا پاسخ حاکمیت به همراهی مردم تعیین کننده است، پاسخی که می تواند زنجیر همبستگی را گسترده و محکم کند.

زندگی اجتماعی سهل تر شود

در سال های اخیر مساله اعتماد مسئولان به جامعه و برعکس همواره مطرح شده است، اعتمادی که با برخی رویکردهای انحصارطلبانه بیشتر و بیشتر آسیب دید، اما امروز که به نظر می رسد فرصت جبران وجود دارد چه باید کرد و چه رویکردی را با جامعه باید درپیش گرفت. محمد سعید ذکایی، جامعه شناس و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در این باره به خبرنگار این می گوید: «زندگی روزمره مردم باید برای سیاست ها اولویت پیدا کند، باید زندگی اجتماعی بر مردم سهل تر شود و از تنش های ناخواسته و غیرضروری که گاهی به آن دامن زده می شد جلوگیری شود، قطعی کردن جامعه یا استانداردها گزاری برای جامعه مواردی هستند که باید با داور اندیشی کنار گذاشته شود».

رسمیت دادن به زندگی اجتماعی

این استاد دانشگاه با گشت آرامش به شهر در گروی نزدیک شدن به خواست عمومی مردم می داند و معتقد است برای چنین هدفی باید مرزبندی های مجاز و غیرمجاز را کنار گذاشت و به انتخاب مردم در مواجهه با تغییرات اجتماعی اعتماد کرد: «هم مسیر شدن با جریان زندگی مردم می تواند سبب ساز تزیق آرامش به جامعه شود، مسئولان به جای این که تغییرات اجتماعی را با قالب های سخت گیرانه رفتار مرزهای مجاز و غیرمجاز کنند می توانند به تصمیم عمومی برای مواجه شدن جامعه به این تغییرات اعتماد کنند، در واقع قانون برای رفاه و آرامش همه باشد، به تغییر دیگر رسمیت دادن به زندگی اجتماعی اهمیت دارد، برای چنین دیدگاهی واقعیت اجتماعی و سیاسی اولویت پیدا می کند، به بیان ساده تر وقتی مردم احساس کنند که دولت در دغدغه های اجتماعی آنها حساس است یا با آن هم نوبی دارد، با یاری تأمین زندگی اجتماعی آنها تلاش می کند بدیهی است که چنین جامعه ای در موقعیت خطیر سیاسی مانند همین جنگ دوازده روزه مسئولیت پذیری بیشتری را از خود به نمایش می گذارد.

واقعیت زندگی اجتماعی

اگر حوادث سال های گذشته را مرور کنیم به نظر می رسد با دوگانه دولت و ملت مواجه نشویم، دوگانه ای که در آن واقعیت زندگی اجتماعی مردم به رسمیت شناخته نشد، شاید نوعی انحصار طلبی سبب تذکرت ناپدیده گرفته شود؛ ذکایی هم نوبی با زیست اجتماعی مردم را کند و از همبستگی ملی می داند: «همبستگی ملی در امتداد هم نوبی با زیست اجتماعی مردم شکل می گیرد، در سال های گذشته واقعیت زندگی اجتماعی مردم و واقعیت تغییرات آن به رسمیت شناخته نشد، با این واقعیت ها به نفع سلیقه ای مصادر شد، چنین رویکردی سبب قهر و فاصله گرفتن شد، اما همین دوازده روز نشان داد اگر هم نوبی میان جامعه و مسئولان ایجاد شود چقدر می توان به نفع هر دو باشد، مردم نهایت شکوه را در این دوازده روز به نمایش گذاشتند. اگر به دغدغه زندگی مردم بی تفاوت باشیم دشواری های جدی ای ایجاد می شود و دوگانه دولت و ملت برنگت تر خواهد شد، یکی از درس هایی که این تجاوز نظامی می تواند داشته باشد این است که ایران می تواند برای همه ملت باشد تا یک نگاه فراگیر در دستور کار سیاست گذاری قرار بگیرد، باید از گفتمان های انحصار طلب فاصله گرفت. زندگی روزمره مردم باید اولویت پیدا کند، باید زندگی اجتماعی بر مردم سهل تر شود و از تنش های ناخواسته و غیرضروری جلوگیری شود.

تریبون برای سلیقه های مختلف

تک صدایی چیزی برای خیر عموم ندارد، این که از تمام ظرفیت های موجود و تمام تریبون ها همچنان صدای یک سلیقه خاص شنیده شود چیزی جز فاشکاری روی سیاست های گذشته نیست، سیاست هایی که سبب شدند اعتماد عمومی آسیب های زیادی را تحمل کند، اما حالا باید کرد، همچنان تریبون ها در حصر صداهایی باشند که ارزش مردم و همبستگی را نشانه می گیرند؟ محمد سعید ذکایی با اشاره به اهمیت شنیده شدن صدای مردم از تریبون های مرسوم می گوید: «شنیده شدن صدای منحصرد از تریبون ها محصول چندین سال است و شاید کنار گذاشتن آن هم نیاز به زمان داشته باشد، اما نماینده داشتن مردم در تریبون های مرسوم اهمیت دارد، این که صدای مردم هم شنیده شود می تواند هم نوبی را بیشتر کند، این که مردم در قالب انجمن ها خودشان متولی اصلی برخی مسائل باشند در مسیر همبستگی موثر است، به نظرم می شود با اعتماد بیشتر به فضای انجمنی و حوزه مدنی فضای عمومی را تقویت کرد، ایراد ندارد سلیقه های مختلف صدا و تریبون داشته باشند، این که خواسته شود با چارچوب عمودی و از بالا به پایین تکلیف همه چیز را مشخص کنند و به جای مردم تصمیم بگیرند می تواند مخاطره آمیز باشد، بنابراین از این به بعد افرادی که تریبون دارند باید به سمتی هدایت کنند که اصل وفاق و همگرایی کمتر آسیب ببیند، صدای هایی که از تریبون ها به گوش می رسند نباید مرزبندی ایجاد کنند و مجددا فضا را خوب یا بد کنند، چرا که منافع ملی نباید تضییع شود».

دوگانه سازی

میان همه دوگانه سازی ها دوگانه ای اسلامی- ایرانی سبب ساز آسیب های زیادی شد. اگر چه امکان پذیر نبود، اما انگار برخی تلاش داشتند ایرانی بودن را به حاشیه بربند یا حداقل در اولویت بندی آن را اولویت دوم بدانند، اما در همین جنگ دوازده روزه روز نشان داده شد چه طور ایده آلرانی و وطن می تواند سبب ساز اتحاد و همگرایی شود. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی در این باره می گواید: «شکاف ایجاد شده میان دولت و ملت حاصل اولویت دادن به مرزبندی های ایجاد شده میان دیانت- ملت یا تجدد- سنت است، یک سیاست گذاری موفق می تواند این چندگانه سازی ها را ترمیم کند و این موارد را بدون اولویت دادن کنار یکدیگر قرار بدهد، اساسا وقتی خاک و سرزمینی وجود نداشته باشد و جود خیلی از چیزهایی معنی می شود، این قبیل دوگانه سازی ها حاصل منافع سیاسی برخی بوده، اما در بزنگاه های مهم تحقق شعار ایران برای همه طلب می کند ما از این دوگانه ها فاصله بگیریم و ایرانی بودن و مسلمان بودن را جدا از هم فرض نکنیم. آن مردمی که ما متوجه هم نیستیم سرزمین و تاریخ آن است، در همه جای دنیا ایده دفاع از خاک و سرزمین مقدس است.

کشورهای نیز با سوء نیت با موضوع برخورد می کنند. در چنین شرایطی حفظ وحدت و انسجام و وقایع ملی برای ایران به عنوان یک ضرورت خطیری می بایست سرلوحه فعالیت های مجموعه دلسوزان نظام قرار گیرد.

اتفاق دیگری که در طول جنگ رخ داد این بود که تندروهایی که همواره دنبال جنگ و جنگ طلبی بودند رویکرد منفعلی داشتند و اغلب سکوت اختیار کردند. اگر همین رویکرد را دیکال در آینده هم دنبال شود، چه هزینه ای برای کشور خواهد داشت؟

در شرایط کنونی کشور از نظر داخلی و خارجی با چالش های مهمی مواجه است و به همین دلیل همه باید به دولت کمک کنند تا بتواند از این چالش ها عبور کند. امروز کشور با چالش های اقتصادی مواجه است و واحدهای تولیدی مشکلات جدی دارند. مجلس باید برای مشکلات راه حل پیدا کند، نه اینکه وقت خود و مردم را صرف دعوای سیاسی و سنگ اندازی در مسیر دولت کند. عدم تعامل سازنده با جهان و عدم استفاده از نخبگان در سال های اخیر چالش هایی متعددی به وجود آورده که یکی از آنها وضعیت کشور در بعد بین المللی بوده است. تردید نیست که این وضعیت را تمامیت خواهان و کسانی برای کشور ایجاد کرده اند که فقط خود را حق دانسته و با همین بندار دنبال اهداف سیاسی و اقتصادی خود بوده اند. این افراد با رویکرد اقلانونی که از خود نشان داده اند در زمینه داخلی و به خصوص اقتصادی برای کشور چالش آفرین بوده اند. من معتقدم در چنین شرایطی رخداد هرگونه خطا و لغزش از نیروهای سیاسی و با بخشی از ساختار می تواند شرایط سختی پدید آورد که هیچ ایرانی شرافتمند و آزاده ای خواهان آن نیست. امروز ما شاهد تهدیدات و اقدامات جنگ طلبانه رئیس جمهور آمریکا و وحشی گری اسرائیل هستیم. مهار این وحشی گری البته تا حدی به اراده رهبران سیاسی کشور های غربی ربط دارد که فعلا چنین اراده ای مشاهده نمی شود و چشم بر جنایت های این رژیم بسته اند. کثرت رفتار یو پی سی و سلاح، درشت گویی و تهدید، صاحب زر و زور بودن و چشم فرو بستن بر جنایات رژیم صهیونیستی و اعمال فشار بر ملت های مستقل، قدرت محسوب نمی شود. قدرت واقعی از آن ملتی است که صاحب سرمایه های معنوی و فرهنگی، ایمان و عقیده ای الهی، اراده ای استوار و روحی تسخیر ناپذیر است. ملت بزرگ ایران در میان ملل جهان با برخورداری از هبری حکیم در صفوف مقدم این عرصه قرار دارد. در چنین شرایطی دل بستن به ایجاد شکاف و اختلاف در جامعه پرنشاط و پویا و متنوع ایران و سوء استفاده از آن برای شرارت طلبان خیال خامی بیش نیست. ملت بزرگ ایران اسلامی متحد یک صدا ضمن ایستادگی در دفاع از حریم استقلال و آزادی ایران بر این باور است که مواضع حاکمان آمریکا که فشار رژیم صهیونیستی و حامیان آن در پشت آن نمایان است، تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی است و ضروری است همه ملت های حق طلب و آزاده جهان در برابر این آتش افروزی و بی خردی بایستند و اجازه ندهند این اندیشه خشونت طلب ناصواب بر جهان غالب شود.

نامه ایران به شورای امنیت و صلیب سرخ در مورد ربایش احمد متوسلیان و همراهانش

دییلماتیک جمهوری اسلامی ایران انجامید. هدف قرار دادن آشکار مقر دیپلماتیک یک دولت دارای حاکمیت، در غیرقانونی نه تنها نقض آشکار حقوق بین الملل و تخلفی فاحش از کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در خصوص روابط دیپلماتیک به شمار می رود، بلکه بر اساس کنوانسیون بین المللی ۱۹۷۹ علیه گروگان گیری، مصداق روشن یک اقدام تروریستی محسوب می شود. تداوم امتناع رژیم اسرائیل از ارائه هرگونه اطلاعات درباره ی سرنوشت افراد ربوده شده، نقض عهدهای تعهدات بین المللی آن رژیم بوده و مصداق استمرار عمل ناپدیدسازی قهری است که موجب رنج و آلام روانی و عاطفی عمیق و مداوم برای خانواده های قربانیان شده است. رژیم اسرائیل که سابقه ای بی قریب در بی اعتنایی به اصول بنیادین حقوق بین الملل و هنجارهای بشردوستانه ی بین المللی دارد، در نقضی فاحش دیگر، در تاریخ ۴ آوریل ۱۴۰۴، اقدام به حمله ی موشکی عا مدهانه علیه اماکن دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در دمشق نمود که به شهادت شماری از اعضای کادر

ربوده شدند، ارسال می شود. همان گونه که در مکاتبات پیشین جمهوری اسلامی ایران، تشریح شده است، این اقدام عا مدهانه غیرقانونی نه تنها نقض آشکار حقوق بین الملل و تخلفی فاحش از کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در خصوص روابط دیپلماتیک به شمار می رود، بلکه بر اساس کنوانسیون بین المللی ۱۹۷۹ علیه گروگان گیری، مصداق روشن یک اقدام تروریستی محسوب می شود. تداوم امتناع رژیم اسرائیل از ارائه هرگونه اطلاعات درباره ی سرنوشت افراد ربوده شده، نقض عهدهای تعهدات بین المللی آن رژیم بوده و مصداق استمرار عمل ناپدیدسازی قهری است که موجب رنج و آلام روانی و عاطفی عمیق و مداوم برای خانواده های قربانیان شده است. رژیم اسرائیل که سابقه ای بی قریب در بی اعتنایی به اصول بنیادین حقوق بین الملل و هنجارهای بشردوستانه ی بین المللی دارد، در نقضی فاحش دیگر، در تاریخ ۴ آوریل ۱۴۰۴، اقدام به حمله ی موشکی عا مدهانه علیه اماکن دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در دمشق نمود که به شهادت شماری از اعضای کادر